

تحولات سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه و تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن (۲۰۱۴-۲۰۰۲)

فرهاد دانش‌نیا *

مسعود هاشمی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۲

تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۴/۰۴/۳۰

چکیده

سیاست خارجی ترکیه طی یک دهه اخیر فراز و فرود چشم‌گیری را در قبال سوریه تجربه کرده است. گسترش روابط دو کشور در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی از اوایل دهه نخست قرن ۲۱ یعنی از سال ۲۰۰۲ آغاز گردید و در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا اواسط ۲۰۱۱ به اوج خود رسید. با شروع تحولات و آغاز اعتراضات در سوریه از اواسط سال ۲۰۱۱ رویکرد رهبران حزب عدالت و توسعه به این کشور تغییر یافت و روابط دو کشور تا مرحله رویارویی نظامی پیش رفت. پژوهش حاضر در صدد تبیین چرایی و چگونگی این تغییر و تحول در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال سوریه است. فرضیه‌ای که در چارچوب نظریه سازه‌نگاری در این پژوهش پردازش می‌گردد به این صورت طرح گردیده که مؤلفه‌های اساسی گفتمان نوعثمان‌گرایی یعنی «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» از یک سو، و تلاش برای ارائه چهره‌ای از ترکیه به عنوان «الگوی دموکراسی، آزادی و حقوق بشر» از دیگر سو، زمینه‌ساز تغییرات رادیکال در سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه بوده است. مفروض پژوهش این است که عناصر و دقایق گفتمان نوعثمانی‌گری در سیاست خارجی ترکیه در وضعیت

* استادیار روابط بین‌الملل
دانشگاه رازی کرمانشاه و عضو
گروه پژوهشی مطالعات سیاسی
- اقتصادی عراق.
fdaneshnia@gmail.com
** کارشناس ارشد علوم
سیاسی.
masoud.Hashemi53@
yahoo.com

متناقض و پارادوکسیکالی نسبت به هم به سر می‌برند. یافته‌های پژوهش بیانگر این مهم است که رویکرد همکاری جویانه ترکیه در قبال سوریه در چارچوب الزامات مهم‌ترین مؤلفه گفتمان نوعثمان‌گرایی یعنی به صفر رساندن مشکلات ترکیه با همسایگان قابل فهم است. سوریه دروازه ورود به کشورهای عربی - اسلامی در خاورمیانه محسوب می‌شود که گسترش روابط با آنها زمینه احیای نفوذ فرهنگی، سیاسی و دسترسی به بازار بزرگ اقتصادی اعراب را برای ترکیه فراهم می‌کند. در مقابل دومین مؤلفه اساسی گفتمان نوعثمان‌گرایی یعنی تلاش برای ارائه چهره‌ای از ترکیه به عنوان الگو در زمینه دموکراسی، آزادی و حقوق بشر نزد افکار عمومی، نخبگان سیاسی خاورمیانه و برای جلب رضایت کشورهای غربی حامی معارضان سوریه، الزاماً زمینه تنش و واگرایی در روابط ترکیه با سوریه را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ترکیه، رویکرد سازه‌انگاری، نوعثمان‌گرایی، هویت، به صفر رساندن مشکلات با همسایگان



مقدمه

روابط ترکیه و سوریه از زمانی که سوریه به عنوان بخشی از امپراتوری عثمانی از ترکیه امروزی جدا شد دستخوش فراز و نشیب‌های زیادی شده است. متغیرهای فرهنگی نظیر مسایل قومی و اقلیت‌های موجود در دو سوی مرز، مسایل سیاسی - امنیتی و بعضاً ژئوپلیتیک مثل اختلافات مرزی و احیاناً سیاست قدرت‌های بزرگ در منطقه در تطور و تحول روابط دو کشور نقش داشته و واگرایی و همگرایی الگوی حاکم بر مناسبات ترکیه و سوریه را رقم زده است. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه روابط دو کشور همواره بر سر مسایلی مانند حمایت سوریه از پ.پ.ک، اختلافات ارضی دو کشور و مسئله اقلیت‌ها، از جمله اقلیت علوی در ترکیه که از دیر باز با علویان حاکم بر سوریه احساس قربت و نزدیکی می‌کنند، دچار تنش و اختلاف بود و حتی گاهی تا مرز درگیری نظامی نیز پیش رفت. حاکم شدن گفتمان نوعثمانی‌گرایی از سال ۲۰۰۲ در ترکیه روابط این کشور با سوریه را مجدداً دستخوش تحول ساخت. ترکیه در این دوره نخست به گسترش روابط با سوریه پرداخت و به بدون توجه به نطق سالانه بوش در سال ۲۰۰۲ و قرار دادن سوریه در لیست سیاه کشورهای مخالف آمریکا و بدون توجه به فشار غرب پس از ترور رفیق حریری نخست‌وزیر سابق لبنان مبنی بر قطع روابط با سوریه، روابط خود با این کشور را حفظ کرد و حتی در زمینه‌های مختلف ارتقا داد.

اما با شروع تحولات و آغاز اعتراضات در سوریه از ماه‌های میانی سال ۲۰۱۱، رویکرد ترکیه به سوریه تغییر یافت و به تبع آن روابط دو کشور در مسیر نوینی از تنش و تعارض قرار گرفت. برگزاری نشست مخالفان بشار اسد در ترکیه، باز کردن مرزها برای مخالفان، حمایت و تجهیز گروه‌های تروریستی، تکفیری و تندرو مانند داعش^۱ و جبهه النصره^۲ و فرستادن آنها به داخل خاک سوریه و دادن اولتیماتوم قاطع به حکومت بشار اسد جهت پاسخگویی به مطالبات مردم و کناره‌گیری از قدرت، برآیند این موضع جدید و غالباً سرسختانه ترکیه در قبال حکومت سوریه است (جعفری، ۱۳۹۳). بهر حال، آنچه شاکله اصلی سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه را تشکیل می‌دهد، اتخاذ رویکردی پارادوکسیکال و بعضاً متناقض است که

۱. دولت اسلامی عراق و شام؛ داعش یک گروه سنی، تکفیری، تروریستی به شدت ارتدوکس می‌باشد.
۲. یک گروه اسلام‌گرای جهادی در سوریه است که با شبکه القاعده هم‌پیمان است. جبهه نصرت با گسترش جنگ داخلی سوریه در حمایت از اکثریت سنی مذهب سوریه وارد جنگ علیه نیروهای دولتی شد و هدف آن تأسیس یک حکومت اسلامی در سوریه است، رهبر آن «ابومحمد الجولانی» نام دارد و اصلی‌ترین رقیب گروه داعش است. این گروه بیش از سایر گروه‌های مسلح تروریستی درگیر در جنگ سوریه مورد حمایت ترکیه می‌باشد.

به نظر می‌رسد قبل از آنکه منبع و منشأ آن در تغییر و تحولات شکل گرفته در سوریه باشد باید ریشه آن را در خود ترکیه جستجو کرد. بر این اساس، پرسش محوری که پژوهش حاضر را راهبری می‌کند این است که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه سیاست خارجی این کشور در قبال سوریه دستخوش چه تغییراتی شده و از چه مؤلفه‌هایی پیروی می‌کند. فرضیه‌ای که در این پژوهش مورد واکاوی قرار می‌گیرد آن است که فراز و فرود روابط ترکیه و سوریه در زمان حاکمیت حزب عدالت و توسعه^۱ بر اساس مؤلفه‌های اصلی گفتمان نوعثمان‌گرایی از جمله «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان»^۲ از یک سو، و تعقیب ایده الگو شدن ترکیه در زمینه دموکراسی، آزادی و حقوق بشر از دیگر سو، قابل فهم است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر رهیافت سازه‌انگاری است.

گرچه پیشینه و ادبیات در خصوص روابط ترکیه و سوریه در دسترس است اما تاکنون کمتر به تناقضات و فراز و فرود روابط دو کشور پرداخته شده است. نوآوری پژوهش حاضر در درجه نخست این است که برای اولین بار سینوسی بودن روابط ترکیه با سوریه را در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه بر اساس مؤلفه‌های دکتربین نوعثمانی‌گرایی تبیین می‌کند و دوم اینکه روابط مذکور را از ابتدای روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه تا سال ۲۰۱۴ مورد واکاوی قرار می‌دهد. در این مقاله در بخش نخست به چارچوب نظری پژوهش پرداخته می‌شود. در بخش دوم به بررسی دکتربین نوعثمانی‌گرایی، ریشه‌ها و مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده آن می‌پردازد. در بخش سوم سیاست خارجی ترکیه در ارتباط با سوریه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ بر اساس قاعده به صفر رساندن مشکلات با همسایگان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم سیاست خارجی ترکیه در ارتباط با سوریه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ بر اساس مؤلفه الگو شدن ترکیه در زمینه دموکراسی، آزادی و حقوق بشر مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در قسمت نتیجه‌گیری علاوه بر بیان نتایج و پیامدهای نگاه متغیر و سینوسی ترکیه به سوریه از زمان حاکمیت حزب عدالت و توسعه به بررسی چشم‌انداز تغییرات احتمالی مجدد در روابط ترکیه و سوریه بر اساس انعطاف‌پذیری مؤلفه‌های دکتربین نوعثمانی‌گرایی اشاره می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه و نگاه فرهنگی، تاریخی و هویتی این جریان به منافع، امنیت و به تبع مناسبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این کشور تا حد زیادی اعتبار برخی نظریات در تحلیل سیاست خارجی ترکیه را تنزل داده و متقابلاً کاربست برخی از دیگر نظریات را در این زمینه بیشتر می‌سازد. بر این اساس یکی از رویکردهای سازگار و مناسب در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ترکیه نظریه سازه‌انگاری است.

در نظریه سازه‌انگاری به نقش فرهنگ در تکوین و قوام یافتن سیاست خارجی تأکید می‌شود. گام اول سازه‌انگاری در تبیین سیاست خارجی تمرکز بر مختصات هویت دولت است. هویت مفهوم واسط میان محیط و کارگزاران محسوب می‌شود. بر این اساس کارگزاران سیاست خارجی به منظور پیشرفت منافع جمعی‌شان رفتاری را از خود بروز می‌دهند که برگرفته از خصوصیت و هنجارهای شکل‌دهنده هویت آنها است (Wendt, 1998: 269-272). مفهوم هویت از روانشناسی اجتماعی گرفته شده است و به تصویری از خود و دیگری که در طول زمان و از طریق دیگر بازیگران اصلاح و تغییر می‌یابد ارجاع داده می‌شود. بنابراین هویت به وسیله خودفهمی (جنبه داخلی) شکل داده می‌شود و مفهوم رابطه‌ای است که روابط میان بازیگران و تصور دیگران از یک بازیگر است. از این رو، تصورات جمعی و فردی بازیگران از خودشان و دیگران بستگی به تعریفی از خود دارد که از فهم‌های مشترک، انتظارات و دانش اجتماعی تجسم یافته در نهادهای بین‌المللی و داخلی ناشی می‌شود (جوادی و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۵-۶).

در واقع، باید گفت توجه و تأکید سازه‌انگاری به نقش هویت در سیاست خارجی نقد مفهوم انسان اقتصادی پیشینه‌جویی است که در کانون تحلیل واقع‌گرایانه و نئولیبرال از سیاست خارجی قرار دارد که مفاهیم، ارزش‌ها، افکار یا هنجارها را فقط ابزاری برای تأکید بر منافع شخصی و توجیه آنها تلقی می‌کرد. از دید سازه‌انگاران هنجارها به مثابه انتظارات بین‌الذهانی مشترک درباره رفتارها، کنش‌های کنشگران را هدایت می‌کنند. بر این اساس کنشگر، انسان جامعه‌شناختی و ایفاکننده نقش است نه انسان اقتصادی. لذا تصمیم‌گیرندگان بر اساس هنجارها و قواعدی که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی، فرهنگی و حضور در نهادها است، تصمیم‌گیری می‌کنند و این هنجارها هستند که رفتار مناسب را تعیین

می‌کنند. بنابراین، کنشگران بر اساس «منطق زیندگی یا تناسب» عمل می‌کنند و هنجارها تابع منافع کنشگران نیستند بلکه به این منافع شکل می‌دهند. علاوه بر این، تأثیر هنجارها و فرهنگ صرفاً تحدید یا تشویق کنش (یعنی تأثیری تنظیم‌کننده) نیست، بلکه آنها تأثیر تکوینی نیز دارند. یعنی اهداف کنشگر را مشروعیت بخشیده و آن را تعریف می‌کنند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۳۱-۹۳۰).

بهرحال، از منظر سازه‌انگاری بازیگران جهان خود را می‌سازند و تحلیل سیاست خارجی از دولت به عنوان یک بازیگر آغاز می‌شود. یعنی بازیگران تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و اجرا می‌کنند. سیاست خارجی تا اندازه‌ای عمل بر ساختن چیزی است که بازیگران تصمیم می‌گیرند و این دیدگاه اثر عوامل داخلی (هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ‌ها) بر سیاست خارجی را نشان می‌دهد. بنابراین، باید گفت از دیدگاه سازه‌انگاری هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ‌ها نقش مهمی در سیاست خارجی بازی می‌کنند. هویت و منافع دولت‌ها را هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها می‌سازند و همین فرایند است که اهمیت فهم تعامل میان دولت‌ها را پیش می‌کشد (شفیعی و زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۲۴-۱۲۳).

نکته مهم در چارچوب نظریه سازه‌انگاری این است که هویت‌ها خصیلتی سیال و متحول دارند. یعنی برداشت کنشگران از خود، منافع و اهدافشان تغییرپذیر است و به تبع شکل‌گیری یک هویت جدید، منافع جدیدی نیز، برای یک دولت مطرح می‌شود (Ritbergger, 2002: 124). این مهم زمینه تجزیه و تحلیل تغییرات سیاست خارجی را در رفتار کنشگران فراهم می‌کند.

مبانی فرهنگی - هنجاری تکوین سیاست خارجی جدید ترکیه

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه نقطه عطفی در تکوین سیاست خارجی این کشور محسوب می‌شود. دکترین نوعثمان‌گرایی، چارچوب فکری - فلسفی نوینی است که بنیان سیاست خارجی ترکیه بر آن قرار گرفته است. اساس این دکترین بر تجویز سیاست‌های جدید بر پایه فرهنگ، روابط اقتصادی و هویت است (DAGI, 2005: 11-12). اصطلاح نوعثمانی‌گرایی اولین بار توسط یک روزنامه‌نگار به نام «سنگزین کانداری» ابداع شد (Sandrin, 2009: 2). نوعثمانی‌گری به مثابه چراغ راهنمای سیاست خارجی ترکیه به مفهوم کشورگشایی نیست،

بلکه به معنی تلاش برای بسط نفوذ ترکیه در مناطق پیرامونی و ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور بر اساس مزیت‌های تاریخی و هویتی مبتنی بر میراث عثمانی است. پایه و اساس این دکترین از اندیشه‌های فتح‌اله گولن، رهبر جنبش گولن، گرفته شده است. وی و هوادارانش جنبش دینی - مدنی را تأسیس کرده‌اند که مدرنیته را با دین‌ورزی، ناسیونالیسم، تسامح و مردم‌سالاری پیوند داده و اسلام و ناسیونالیسم را در کانون واحدی گرد آورده است. البته جنبش یاد شده بنیادگرا محسوب نمی‌شود و طیفی از افراد با ریشه‌های بالکانی تا افرادی با هویت اسلامی (اسلام معتدل و دموکراتیک) و نیز گرایش‌های ناسیونالیسم ترکی را دربرمی‌گیرد. آلپای^۱ روزنامه‌نگاری است که از سال ۱۹۹۶ تحقیقات گسترده‌ای پیرامون جنبش گولن انجام داده است. از نظر وی جامعه مدنی ترکیه و جنبش‌های اجتماعی تأثیر فزاینده‌ای بر سیاست خارجی این کشور دارند که جنبش گولن در این راستا یکی از برجسته‌ترین شبکه‌های دینی است. فراگیری تفکرات جنبش بیانگر آن است که بخش زیادی از جامعه ترکیه معتقد است که اسلام با مدرنیته سازگار است و مذهب می‌تواند عاملی برای مدرنیته باشد (Kadioglu & Brubker, 2010: 264-265). جنبش مذکور به مذهب شیعه و ایران و دیگر کشورهای اسلامی نگاهی عثمانی‌مآبانه دارد. بر این اساس، گولن این شعار را بر تابلویی در اتاق خود آویخته است که: « عثمانیان با شمشیر امپراتوری عثمانی را تأسیس کردند ولی اینک خواسته می‌شود همان رؤیا با قلم تحقق یابد» (اشرفی، ۱۳۹۱). جنبش گولن علی‌رغم تفاوت‌هایی که در عناصر ایدئولوژیکی مانند مسئله کردها، مسئله حجاب^۲، نگاه به غرب^۳، نگاه به ایران^۴، و مسئله فلسطین و انتفاضه^۵ با حزب عدالت و توسعه دارد، با تمام امکانات ابتدا از این حزب و رهبر آن اردوغان حمایت کرد (Kuru, 2005: 264-265). البته جریان گولن در سال‌های اخیر حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان را به تمامیت‌خواهی و نادیده گرفتن دموکراسی متهم کرده است. متقابلاً جنبش گولن نیز در یک تقابل ایدئولوژیکی و عملی به کودتا بر علیه اردوغان متهم شده و لذا روابط دو طرف به شدت تیره گشته است. بهر حال، باید گفت که جوهره دکترین نوعثمانی‌گرایی که بعدها توسط داود اوغلو به طور

1. Alpay

۲. گولن معتقد است که حجاب مانند توحید نیست که از اصول اعتقادی باشد بلکه از فروع دین محسوب می‌شود.

۳. گولن به دموکراسی غربی به عنوان مدلی برای ترکیه اعتقاد دارد.

۴. جنبش گولن در مقابل اسلام سیاسی اسلام اجتماعی را ترجیح می‌دهد و معتقد است اسلام سیاسی رویکردی رادیکال است. اسلام مد نظر گولن اسلام اجتماعی است که به جدایی دین از سیاست توجه دارد، اما اعتقاد دارد که سیاست باید در بستری اخلاقی اجتماعی صورت گیرد.

۵. گولن فلسطینی‌ها را متهم به تروریسم کرده و مبارزات آنها بر علیه اسرائیل را محکوم می‌کند.

کامل ارائه و حتی در عرصه سیاست خارجی به اجرا گذاشته شد، عبارت است از اهمیت بخشیدن متوازن به مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی آنکارا با جهان اسلام، منطقه بالکان، قفقاز، آسیای مرکزی، اعراب و غرب. مؤلفه‌های رویکرد نو عثمانی‌گری را می‌توان چنین برشمرد:

○ ضرورت توجه به میراث اسلامی و عثمانی ترکیه در داخل و خارج با استفاده از دیپلماسی و قدرت نرم.

○ به صفر رساندن مشکلات با همسایگان.

○ احساس عظمت و خوداعتمادی در سیاست خارجی و به تبع آن ایفای نقش پررنگ و فعال در سیاست خارجی متناسب با تاریخ پرشکوه گذشته و عمق استراتژیک ترکیه.

○ الگو قرار گرفتن ترکیه در زمینه دموکراسی، آزادی و حقوق بشر برای کشورهای که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند.

○ ایفای نقش در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.

○ انعطاف‌پذیری برای سازگاری با شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی.

○ پذیرفتن جهان اسلام به اندازه جهان غرب.

○ توسعه روابط هماهنگ با قدرت‌های جهانی.

○ تسری دادن همکاری‌های اقتصادی و فنی به حوزه‌های سیاسی (Ulgen, 2010, 5-10).

در میان عناصر و مؤلفه‌های یاد شده دو مورد بیشتر از دیگر عناصر، سیاست خارجی ترکیه را در قبال سوریه قوام می‌بخشد. نخست پیروی ترکیه از «قاعده به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» و دوم تلقی این کشور از خود به مثابه «الگوی دموکراتیک و الهام‌بخش» به دیگر مناطق و نواحی. به تبع تعقیب الزامات این دو عنصر پارادوکسیکال، تناقض‌ها و سیالیت خاصی را به سیاست خارجی و جهت‌گیری ترکیه در قبال بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله سوریه تحمیل می‌کند.

فهم این پارادوکس‌ها در گرو درک لایه‌های پیچیده و بعضاً متناقضی از هویت و منافع است که در چارچوب دکترین نو عثمانی‌گری در کنار هم قرار گرفته و رویکرد جدیدی از تعامل تا تقابل و مداخله‌جویی ترکیه در معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به بار آورده است. در ادامه به معنا و مفهوم این دو مؤلفه و برآیند آنها در سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه پرداخته می‌شود.

نوعثمانی گری، به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و برآیند آن در جهت گیری ترکیه در قبال سوریه

بر اساس دکترین نوعثمان گرایی، ترکیه گذشته تاریخی باشکوهی دارد. از جمله الزامات این پیشینه تاریخی تلاش برای احیای نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این کشور در مناطقی است که زمانی در قلمرو امپراتوری عثمانی قرار داشته‌اند (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۱). برآیند صورت‌بندی هویتی مذکور این است که ترکیه برای موفقیت در این زمینه باید بتواند روابط خود را با همسایگانش بازتعریف کرده و به جای پرداخت هزینه‌های سنگین بابت درگیری‌های بیهوده به حل و فصل اختلافات با آنان پردازد. به همین منظور اجرای یکی از مؤلفه‌های اساسی دکترین نوعثمان گرایی یعنی «به صفر رساندن تنش‌ها، با همسایگان» در دستور کار سیاست خارجی رهبران حزب عدالت و توسعه قرار گرفت. اهداف عمده آنها در این چارچوب رسیدن به بیشترین میزان همگرایی و همکاری با همسایگان، زدودن اختلافات و تنش‌های موجود و افزایش ثبات در منطقه از طریق وابستگی متقابل اقتصادی، جستجوی مکانیسم‌های ابتکاری حل اختلافات با تشویق اقدامات مثبت و ایجاد پل‌های میان فرهنگی با ایجاد گفت‌وگو و فهم مشترک است (Davutoglu, 2010: 13). در کل رهبران حزب عدالت و توسعه معتقدند ترکیه برای اینکه بتواند به رهبر منطقه‌ای تبدیل شود و اهمیت استراتژیک بین‌المللی پیدا کند حتماً باید با همسایگان خود روابط دوستانه برقرار کند (صولت، ۱۳۹۰). این مهم زمینه تغییر گفت‌وگو و جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه را فراهم کرده است.

یکی از آشکارترین این تغییرات در قبال سوریه رخ داد. دو کشور در سال ۱۹۹۸ تا آستانه جنگ پیش رفتند و در آن مقطع ترکیه همواره سوریه را به حمایت از کردهای (پ.ک.ک) متهم می‌کرد. اما پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه همکاری میان دو کشور گسترش یافت. سیاستمداران نوعثمان‌گرا سوریه را ابزاری مناسب برای اجرای سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان می‌دانستند. این کشور برای دولتمردان ترک دروازه ورود به کشورهای عربی خاورمیانه محسوب می‌شود و گسترش روابط با آن می‌تواند زمینه‌های احیای نفوذ فرهنگی، سیاسی و دسترسی به بازار بزرگ اقتصادی آنها را برای ترکیه فراهم آورد. از این رو، در این

رویکرد جدید منطقه‌ای ترکیه، سوریه به عنوان یک متحد و دوست بالقوه مطرح شد (Aras & Polat, 2010: 18). از سوی دیگر رهبران دولت سوریه نیز به این ذهنیت مثبت ترک‌های نوعثمان‌گرایی چراغ سبز نشان داده و آمادگی خود را برای همکاری بیشتر و ادامه روابط منطقی و گسترش آن با ترکیه ابراز کردند. دیدارهای روزافزون مقامات ترکیه و سوریه از کشورهای یکدیگر در سطوح مختلف شامل رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه برآیند این ذهنیت جدید بود. برای نمونه نخست‌وزیر وقت سوریه، «محمد مصطفی میرو»^۱ در ژوئیه ۲۰۰۳ از ترکیه دیدار کرد. متعاقباً عبدالله گل وزیر خارجه وقت ترکیه نیز در نوامبر ۲۰۰۳ به این بازدید پاسخ داد. در دسامبر ۲۰۰۳ نیز دو کشور اقدام به امضای یادداشت تفاهمی در زمینه مبارزه با بنیادگرایی و تروریسم کردند. این تبادل دیدارها در دوران پس از جنگ عراق و با افزایش فشارهای ایالات متحده بر سوریه شدت بیشتری پیدا کرد به طوری که پس از آنکه آمریکا با تصویب لایحه «پاسخگویی سوریه و حاکمیت لبنان»^۲ با تهدید به اعمال تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی فشارها را بر سوریه افزایش داد، این کشور با نزدیک شدن هر چه بیشتر به ترکیه در پی کاهش این فشارها برآمد (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۲۰۷-۲۰۶).

سیاستمداران نوعثمان‌گرایی حاکم بر ترکیه نیز در پاسخ رویکرد تعاملی سوریه، حتی ترتیبی اتخاذ کردند که دارایی‌های بلوکه شده سوریه در کشورهای اروپایی و برخی کشورهای عربی آسان‌تر در دسترس سوری‌ها قرار گیرد (روزنامه العرب، ۲۰۱۴). در ادامه سفر ژانویه ۲۰۰۴ بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه به ترکیه که اولین سفر در نوع خود از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ به شمار می‌رفت (لارابی، ۱۳۸۶: ۷۵)، دیگر جایی برای شک و تردید نسبت به توسعه و گسترش روابط بین دو کشور باقی نماند. اسد دیدار رسمی خود از ترکیه را چنین توصیف کرد: «ما از یک فضای بی‌اعتمادی در حال گذر به دورانی از اعتماد هستیم» (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). در پاسخ به این سفر در اواخر دسامبر ۲۰۰۴ «رجب طیب اردوغان» نخست‌وزیر وقت ترکیه نیز در دیدار رسمی که از سوریه داشت، چشم‌انداز آینده روابط دوجانبه میان دو کشور را با نگرش خوش‌بینانه مورد ارزیابی قرار داد (بقا زازیان و آرشاکیان، ۲۰۰۹: ۲). سیگنال‌های مثبت یاد شده مقامات رسمی دو کشور به یکدیگر زمینه گسترش روابط دو کشور را فراهم کرد.

1. Mohammad. Moustfa Miro
2. Syrian Accountability and Lebanon Sovereignty Act

شکل‌گیری فضای بین‌دوستانه مثبت در تعامل طرفین و اوج گرفتن روابط دو کشور باعث شد که حتی سوریه قبول کند که ترکیه به عنوان میانجی بین این کشور و اسرائیل پس از دستگیری سرباز اسرائیلی «گیلعاد شالیت»^۱ توسط حماس ایفای نقش کند. زمانی که دولت خودگردان فلسطینی به رهبری «محمود عباس» و نیز، اسرائیل اعتقاد داشتند که سوریه در این موضوع نقش دارد و می‌تواند به حل آن کمک کند، اردوغان مشاور وقت خود، «داود اوغلو» را به دمشق فرستاد که دیدگاه ترکیه را در خصوص نگرانی از افزایش خشونت و اشاعه این بحران در کل منطقه به بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه ابلاغ کند (مسعودنیا، فروغی، چلمقانی، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵).

مأموریت داود اوغلو نشانگر آن است که در این دوره سیاستمداران ترکیه به وجود رابطه حسنه میان دو کشور تا آنجا اعتماد دارند که باور دارند سوریه به تقاضای آنها در مورد کمک به حل بحران پیش آمده بین اسرائیل و حماس پاسخ مثبت خواهد داد. علاوه بر این ترکیه در این دوره تلاش کرد با میانجیگری، سوریه و اسرائیل را پای میز مذاکره آورده و بین آنها صلح برقرار کند و اسرائیل را راضی به برگرداندن بلندی‌های جولان به سوریه کند. در این راستا سوریه و اسرائیل با میانجیگری ترکیه چهار دور مذاکره انجام دادند هر چند در این مذاکرات نه دمشق و نه آنکارا به موفقیتی دست نیافتند (روزنامه اعتماد، ۱۶/۵/۱۳۸۷). اما ترکیه در اینجا نقش خود به عنوان یک میانجی قابل اطمینان برای سوریه را به خوبی بازی کرد. در این دوره، در ادامه دید و بازدیدها در سطح سران و مقامات عالی رتبه دو کشور بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، در سپتامبر ۲۰۰۹ از ترکیه دیدن کرد که طی این دیدار مقامات دو کشور توافق کردند تا شورای همکاری‌های استراتژیک بین دو کشور را در بالاترین سطح^۲ ایجاد کنند (www.aljazeera.com, 24/6/2012).

بشار اسد در طی این دیدار هنگامی که در مراسم افطار حزب عدالت و توسعه شرکت کرده بود سخن از همگرایی میان مردم ترکیه و سوریه، وطن یکپارچه و دین مشترک دو سرزمین به میان آورد (روزنامه العرب، ۲۰۱۴). در این دوره بشار اسد و رجب طیب اردوغان چند بار دیگر با هم ملاقات کردند. به عنوان مثال اردوغان در دسامبر ۲۰۰۹ برای شرکت در شورای همکاری استراتژیک به دمشق سفر کرد و در دیدار با اسد عنوان کرد که: «سوریه برای ما نه تنها بازاری با بیست

1. Gilad Shalit
2. Hlsc (High Level Strategic Cooperation Council)

میلیون جمعیت محسوب می‌شود، بلکه دروازه‌ای به سوی خاورمیانه با جمعیت ۳۰ میلیون نفری است» (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۵۲-۲۵۱). حتی گفته می‌شود اردوغان در این سفر با اشاره به دوستی عمیق خود با بشار اسد وی را برادر خود نامید (Taspinar, 2012: 6).

این تعاملات نشان می‌دهد که سوریه اولین ایستگاه ورودی آنکارا در رویکرد خاورمیانه‌ای ترکیه به منطقه بوده و به همین دلیل بود که ترک‌ها با انعقاد اولین پیمان استراتژیک خود در منطقه با سوریه تا جایی پیش رفتند که اقدام به تشکیل کابینه مشترک در سال ۲۰۱۰ کردند (Dufner and Berthold, 2010: 1). متعاقب آن طی ۲۴ ساعت دو بار در شهرهای حلب سوریه و قاضی انتب ترکیه کابینه مشترک تشکیل شد (ملکی، ۱۳۹۱). طی این جلسات ترکیه ۵۰ توافق‌نامه همکاری در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، تجاری، فرهنگی، بهداشتی، زیست‌محیطی، حمل و نقل، آموزش و آب با سوریه به امضا رساند. در ادامه شورای همکاری استراتژیک به طور منظم بین دو کشور در سطوح وزیران و نخست‌وزیران تشکیل شد. به طور نمونه در ۲-۳ اکتبر ۲۰۱۰ در لاذقیه^۱ و در ۲۱-۲۰ دسامبر ۲۰۱۰ نیز در آنکارا تشکیل شد که نتیجه آن اضافه شدن ۱۳ موافقت‌نامه دیگر به توافق‌نامه‌های قبلی در زمینه‌های مختلف بود (www.aljazeera.com, 24/6/2012). در این دوره حتی فضای مثبت بوجود آمده در روابط دو کشور باعث شد تا اتباع دو کشور علاقه‌مندی بیشتری برای سفر به کشورهای یکدیگر داشته باشند. آمار ارائه شده از منابع رسمی دو کشور از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. بر اساس گزارش وزارت فرهنگ و توریسم ترکیه، تعداد ۳۳۲/۸۴۷ نفر به عنوان توریست سوری در سال ۲۰۰۷ از ترکیه دیدن کردند که در سال ۲۰۰۸ با افزایش ۲۲/۶۰ درصدی به ۴۰۶/۹۳۵ نفر رسید و در سال ۲۰۰۹ با افزایش ۲۵ درصدی به تعداد ۵۰۹/۶۷۹ نفر افزایش یافت و در سپتامبر ۲۰۰۹ ترکیه در اقدامی کم‌سابقه در منطقه، داشتن ویزا برای گردشگران سوری را لغو کرد. این موضوع باعث افزایش محبوبیت ترکیه در افکار عمومی سوریه و منطقه شده و نیز باعث افزایش تقریباً دو برابری سفرهای توریستی سوری به ترکیه در سال ۲۰۱۰ شد (Meral and Paris, 2010: 81). تعداد مسافران ورودی از سوریه به ترکیه در این سال به ۸۹۹/۴۹۴ نفر رسید که نسبت به سال ۲۰۰۹ یک افزایش ۹۱ درصدی را نشان می‌دهد. آمارها گویای آن

۱. لاذقیه اصلی‌ترین بندر کشور سوریه است. منطقه لاذقیه که شهر لاذقیه در آن قرار دارد یکی از چهار منطقه استان لاذقیه است.

است که در میان کشورهای سوریه که در سال ۲۰۱۰ توریست به ترکیه فرستادند سوریه مقام هشتم را دارد. بر اساس آمار وزارت توریسم سوریه نیز تعداد توریست‌های ترکیه‌ای که در سال ۲۰۰۷ از سوریه دیدن کردند، ۴۸۵/۹۵۳ نفر بودند که با افزایش ۱۵ درصدی در سال ۲۰۰۸ تعداد آنها به ۵۶۲/۹۳۲ نفر رسید و در سال ۲۰۰۹ با افزایش ۳۴ درصدی تعداد آنها ۷۳۳/۱۳۲ نفر رسید، در سال ۲۰۱۰ نیز اتباع ترکیه‌ای که به طور روزانه از سوریه دیدن کردند با افزایش ۱۰۰ درصدی به ۱/۶۶۴/۲۰۹ نفر رسید و توریست‌های ترکیه‌ای که بیش از چند روز در سوریه مانده‌اند با افزایش ۲۶ درصد به ۸۶۴/۹۸۸ نفر رسید.

در این دوره روابط دو کشور آتقدر به هم نزدیک شد که حتی در سند امنیت ملی ترکیه معروف به «کتاب قرمز» که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد نام سوریه از فهرست کشورهای تهدیدکننده امنیت ترکیه حذف شد (قنادی، ۱۳۸۹). همچنین به موازات گسترش روابط سیاسی و امنیتی دو کشور روابط اقتصادی آنها نیز گسترش پیدا کرد. در ژانویه ۲۰۰۴ آنکارا و دمشق یک توافق‌نامه تجارت آزاد امضا کردند که از سال ۲۰۰۷ این موافقت‌نامه اجرایی شد. بر اساس آن، ترکیه تمام عوارض گمرکی بر محصولات سوریه را لغو کرد در حالی که سوریه به علت دارا بودند صنایع ناکارآمدتر و ضعیف‌تر توافق کرد تا عوارض گمرکی را بر کلیه کالاهای ترکیه به تدریج در طول یک دوره دوازده ساله کاهش دهد (www.taamolnews.ir, 1391/5/18).

اما علی‌رغم وجود چنین تمهیداتی این ترکیه بود که از توافق‌نامه تجاری خود با سوریه حداکثر بهره‌برداری را کرد. پس از امضای توافق‌نامه مذکور، سوریه به مهم‌ترین گذرگاه کالاهای ترکیه‌ای برای ورود به بازارهای اردن، لبنان و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس تبدیل شد.

همچنین کالاهای ارزان ترک به طور گسترده وارد بازارهای سوریه می‌شد و نظام سوریه نیز خود را آماده می‌دید تا بیشترین همکاری را جهت ادامه روابط منطقی با ترکیه مبذول دارد (روزنامه العرب، ۲۰۱۴). آنکارا و دمشق در ادامه همکاری‌های اقتصادی در سال ۲۰۰۶ نیز یک منطقه آزاد تجاری تأسیس کردند که نتیجه آن افزایش سرمایه‌گذاری ترکیه در سوریه بود (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۱۴۶). بهر حال، باید گفت این توافق‌نامه‌ها و قراردادهای اقتصادی باعث شدند تا حجم مبادلات بین ترکیه و سوریه از ۷۳۳ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ به نزدیک ۲/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ برسد.

میزان مبادلات تجاری بین ترکیه و سوریه (۲۰۱۰-۲۰۰۲)

سال	صادرات ترکیه به سوریه	واردات ترکیه از سوریه	حجم تجارت	موازنه تجاری
۲۰۰۲	۲۶۶/۷۷۲	۵۰۶/۲۴۷	۷۷۳/۰۱۹	-۲۳۹/۴۷۵
۲۰۰۳	۴۱۰/۷۵۵	۴۱۳/۳۴۹	۸۲۴/۱۰۴	-۲/۵۹۴
۲۰۰۴	۳۹۴/۷۸۳	۳۵۷/۶۵۷	۷۵۲/۴۳۹	۳۷/۱۲۷
۲۰۰۵	۵۵۱/۶۲۷	۲۷۲/۱۸۰	۸۲۳/۸۰۷	۲۷۹/۴۴۷
۲۰۰۶	۶۰۸/۱۴۰	۱۸۷/۰۰۶	۷۹۵/۱۴۶	۴۲۱/۱۳۴
۲۰۰۷	۷۹۲/۳۱۲	۳۷۶/۹۵۸	۱/۱۷۴/۲۷۰	۴۱۰/۳۵۴
۲۰۰۸	۱/۱۱۳/۰۲۶	۶۳۹/۲۱۳	۱/۷۵۲/۲۳۹	۴۷۳/۸۱۳
۲۰۰۹	۱/۱۱۵/۰۱۳	۳۲۷/۶۴۰	۱/۴۴۲/۶۵۳	۷۸۷/۳۷۳
۲۰۱۰	۱/۶۴۱/۸۰۵	۶۳۰/۶۱۰	۲/۲۷۲/۴۱۵	۱/۰۱۱/۱۹۵

منبع: <http://www.mfa.gov.tr>

ترکیه در این دوره حتی با استفاده از نفوذ و اعتمادی که در سوریه به دست آورده بود توانست کشورهایمانند اردن و لبنان را نیز تحت تأثیر قرار دهد و موفق شود شورای همکاری استراتژیک چهارجانبه بین ترکیه، سوریه، اردن و لبنان را در سطح وزیران امور خارجه در ژوئن ۲۰۱۰ در استانبول تشکیل دهد. هدف این شورا ایجاد یک منطقه آزاد نقل و انتقال کالا و تردد افراد بین چهار کشور و در نتیجه تأمین منافع اقتصادی هر چه بیشتر ترکیه بود (www.aljazeera.com, 24/6/2012).

نوعثمانی‌گری، الگو شدن ترکیه در منطقه و برآیند آن در
جهت‌گیری این کشور در قبال سوریه

واقعیت آن است که اگر سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان در رویکرد نوعثمانی‌گری و عمق استراتژیک، به توسعه و همکاری گسترده در روابط ترکیه و سوریه انجامید، برعکس تلاش متناقض این کشور برای تبدیل شدن به الگوی دموکراسی و بسط مدل توسعه اقتصادی سیاسی خود در منطقه نهایتاً تعارض و تقابل ترکیه با سوریه را رقم زده است. با آغاز اعتراضات از ماه‌های میانی سال ۲۰۱۱ در سوریه، روابط دو کشور دچار عقب‌گرد شد و به تدریج در مسیر تنش

و تعارض با یکدیگر قرار گرفتند. دولت ترکیه به رهبری «رجب طیب اردوغان» از همان آغاز شروع اعتراضات مخالفان حکومت بشار اسد سعی داشت به نوعی نقش میانجی‌گرایانه ایفا کند و تلاش کرد با احتیاط کامل نظام سوریه را به اجرای اصلاحات تشویق کند. واقعیت آن است که منافع گسترده و چشم‌گیر ترکیه در سوریه قابل چشم‌پوشی نبود و به همین دلیل هنوز مقامات آنکارا نظام حاکم بر سوریه را تأیید می‌کردند (روزنامه العرب، ۲۰۱۴). اما با ادامه روند اعتراضات در سوریه سیاست میانجی‌گرایانه دولت ترکیه به سمت فشار دیپلماتیک بر دولت اسد به منظور انجام اصلاحات دموکراتیک و توجه به خواسته‌های معترضان گرایش پیدا کرد و به نوعی لحن آمرانه تغییر یافت (Schenker, 2011).

پس از سفر داود اوغلو وزیر خارجه وقت ترکیه در ۹ آگوست ۲۰۱۱ به دمشق به منظور اتمام حجت با رژیم سوریه به منظور توقف سرکوب معترضان و تسهیل انجام اصلاحات دموکراتیک و پاسخ منفی دولت اسد به این درخواست‌ها مبنی بر صرف نظر کردن از تعقیب و مقابله با آنچه که سوریه گروه‌های مسلح و تروئیست می‌دانست، اردوغان در لحنی تند و آمرانه اعلام کرد که صبر ترکیه در مقابل اقدامات سوریه علیه معترضان به سر آمده و هر چه زودتر باید رفتار دولت سوریه تغییر کند، در غیر این صورت دولت ترکیه ناگزیر است مواضع دیگری اتخاذ کند. اظهارات اردوغان نشانگر پاره شدن تارهای پیوند سیاسی بین دو کشور بود. بعد از این سفر بود که بلافاصله تحریم‌های آمریکا بر علیه نظام بانکی و مالی سوریه اعلام شد و ترکیه نیز تقریباً از این زمان به طور کامل در کنار کشورهای غربی قرار گرفت و از تحریم‌های یاد شده حمایت کرد. اظهارات عبدالله گل، رئیس‌جمهور ترکیه، مبنی بر اینکه سمت و سوی تحولات سوریه در جهتی پیش می‌رود که بازگشت‌ناپذیر جلوه می‌کند و به نوعی ادامه روند گفت‌وگو با دولت سوریه را بی‌نتیجه نشان می‌دهد به خوبی حاکی از تغییر رویکرد ترکیه در قبال تحولات سوریه بود (بیات، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۰). عبدالله گل حتی در همین زمان در گفت‌وگوی اختصاصی با شبکه العربیه از بشار اسد خواست تا از آنچه که در دیگر کشورهای عربی اتفاق افتاده عبرت بگیرد و در ادامه عنوان کرد برخی رهبران عربی هنوز درک نکرده‌اند که دیگر جایی برای حکومت‌های تمامیت‌خواه وجود ندارد. وی حتی در این مصاحبه به طور مستقیم عنوان کرد که اصلاحاتی که اسد از آنها سخن به میان می‌آورد، بسیار محدود و دیرهنگام است (www.taamolnews.ir, 1390/6/18).

واقعیت آن است که رهبران حزب عدالت و توسعه در این زمان و با توجه به

تغییر شرایط و قرار گرفتن کشورهای غربی و نیز کشورهای عربی خاورمیانه مانند عربستان و قطر با بازار اقتصادی بزرگ در کنار مخالفان دولت سوریه، تغییر جهت دادند. برآیند این رویه متناقض به این صورت تجلی یافت که دولت ترکیه به این جمع‌بندی رسید که سیاست به صفر رساندن مشکلات با سوریه دیگر منافع ترکیه را تأمین نمی‌کند و باید تعهدات خود را نسبت به دولت سوریه به صفر برساند. به تبع انعطاف‌پذیری و عدم جزمیت آنان در اجرای مؤلفه‌های دکترین نوعثمان‌گرایی باعث شد که سیاست مذکور را رها کرده و به سراغ اجرای مؤلفه دیگر این دکترین یعنی ارائه تصویری مثبت از ترکیه به عنوان الگویی از دموکراسی، آزادی و حقوق بشر در نزد افکار عمومی و نخبگان سیاسی کشورهای عربی اسلامی منطقه بروند. اظهارات داود اوغلو در این زمان این موضوع را به خوبی اثبات می‌کند. وی عنوان کرد آزادی امت عربی عامل اصلی ثبات در خاورمیانه است و این به سود ترکیه است که دوست ملت‌های منطقه و از جمله مردم سوریه باشد و این احساس را به مردم منطقه نهد که قدرت خارجی است (بهرامی، ۱۳۹۰). این موضع‌گیری‌ها و دخالت‌های رهبران ترکیه در امور سوریه باعث شد تا دولت سوریه طی بیانیه‌ای «عمران‌هان»^۱ سفیر ترکیه در این کشور را عنصر نامطلوب اعلام کند. در پی این اقدام دولت ترکیه سفارت خود را در دمشق تعطیل کرد و اردوغان نیز اعلام کرد که دولت اسد به دلیل از دست دادن مشروعیت خود نزد مردم، به زودی سقوط خواهد کرد (Watson, 2012).

آغاز حمایت سیاسی، تبلیغاتی و نظامی گسترده دولت ترکیه از مخالفان رژیم اسد و در کنار آنان قرار گرفتن نتیجه تعقیب سیاست دوم از سوی تصمیم‌گیران سیاست خارجی ترکیه است. در این راستا ترکیه در زمینه حمایت سیاسی از مخالفان اقدام به برقراری ارتباط با گروه‌های معترض سوریه و به ویژه «اخوان المسلمین سوریه»^۲ و جبهه النصره کرد. ترک‌ها به علت سنی بودن این گروه‌ها به ویژه اخوان المسلمین هم آنها را نماینده اکثریت جمعیت سوریه می‌دانند و به آنها نسبت به سایر گروه‌ها احساس هم‌هویتی بیشتری می‌کنند و هم آنها را جایگزینی مناسب برای نظام سوریه تصور می‌کنند. به‌رحال، رهبران حزب عدالت و توسعه برای تحت فشار قرار دادن سوریه اقدام به تشکیل ائتلاف معارضان سوریه کردند و در این راستا

1. Omer Onhon

۲. اخوان المسلمین سوریه در سال ۱۹۲۵ در شهر حلب به وسیله مصطفی الساعی به منظور مقابله با اشغال سوریه از سوی فرانسه و سامان دادن به اوضاع نابسامان اقتصادی و رفع مشکلات موجود میان جهان عرب از طریق احیای اسلام به وجود آمد.

کمک کردند تا آنها نشست‌های متعددی در شهرهای مختلف ترکیه برگزار کنند (ملکی، ۱۳۹۱). از جمله می‌توان به نشست ۱۷ جولای ۲۰۱۱ اشاره کرد که در آن علاوه بر گروه‌های مخالف بیش از ۸۰ کشور جهان نیز شرکت کردند که اصلی‌ترین بند بیانیه پایانی آن برکناری دولت بشار اسد از قدرت و تشکیل دولت جدید در سوریه بود (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۴). حتی در یک دوره از این نشست‌ها دولت ترکیه مخالفان را تشویق به تشکیل دولت موقت کرد (www.nividar.com, 1392/18/8). دولت ترکیه کماکان از تشکیل این جلسات حمایت می‌کند که از جمله می‌توان به نشست سه روزه ائتلاف مخالفان بشار اسد در استانبول در ۷ آگوست ۲۰۱۴ اشاره کرد (www.dw.de, 1393/4/16). ترکیه در این دوره به این اقدامات نیز بسنده نکرد و تلاش زیادی کرد تا به همراه کشورهای غربی و عربی یک نشست بین‌المللی با عنوان دوستان سوریه برای فشار هر چه بیشتر بر دولت بشار اسد تشکیل شود. در یکی از این جلسات که در اول آوریل ۲۰۱۲ در استانبول تشکیل شد، این گروه شورای ملی سوریه را که از ائتلاف مخالفان دولت بشار اسد تشکیل شده بود به رسمیت شناخت. همچنین اعضای این گروه توافق کردند تا کمک مالی و تجهیزاتی بیشتری را در اختیار شورشیان سوری قرار دهند که خبرگزاری یو. اس. تودی در گزارشی اتخاذ این تصمیم را به منزله حرکت این کشورها به سوی استفاده از گزینه‌های نظامی به منظور براندازی دولت بشار اسد دانست (www.parisne.com, 1391/1/1).

داود اوغلو وزیر خارجه وقت و نخست وزیر فعلی ترکیه نیز در یک نشست خبری در پایان این کنفرانس گفت: به نظام سوریه اجازه سوءاستفاده از فرصت‌ها را نمی‌دهیم این آخرین فرصت است که به این نظام می‌دهیم. وی همچنین وضعیت سوریه را به وضعیت بوسنی تشبیه کرد و گفت: در بوسنی جامعه جهانی بیش از اندازه تعلل کرد از همین رو بسیاری از مردم کشته شدند. در سوریه جامعه جهانی نباید چنین تعللی از خود نشان دهد، باید بی‌درنگ اقدام کنیم (رضائیان ریزی، ۱۳۹۱). ترکیه در نشست‌های دیگر کشورها موسوم به دوستان سوریه در تونس، مغرب، رم، توکیو، پاریس و لندن نیز نقش فعالی به منظور فشار هر چه بیشتر بر دولت بشار اسد و تقویت موضع مخالفان وی ایفا کرد (www.fararu.com, 1392/2/8). در زمینه حمایت تبلیغاتی نیز باید گفت رهبران نوع‌نشان‌گرای ترکیه به طور هماهنگ در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود تبلیغات وسیعی را به منظور تشویق مخالفان و امید دادن به آنها برای پیروزی بر دولت بشار اسد و سرنگونی

وی به راه انداختند. به طور مثال می‌توان به مصاحبه اردوغان با شبکه خبر ترکیه درباره سوریه و وضعیت بشار اسد هم‌پیمان سابق خود که زمانی از او به عنوان برادر یاد می‌کرد اشاره کرد. وی در این مصاحبه اظهار داشت به اعتقاد من بشار اسد روز به روز به پایان خود نزدیک می‌شود. وی با توجه به درگیری ارتش سوریه با شورشیان در شهر حلب گفت، اهمیت حلب برای سوریه همانند استانبول برای ترکیه است. بنابراین وقتی درگیری به این شهر رسید یعنی آنکه رژیم اسد به پایان خود نزدیک می‌شود (www.asrIran.com, 1391/5/17).

داود اوغلو نیز که از بانیان اصلی درگیر کردن ترکیه در بحران سوریه است طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که دو ماه دیگر در مسجد اموی دمشق به اتفاق مخالفان اسد نماز خواهد خواند (ملکی، ۱۳۹۲). این موضع تند سیاستمداران نوعثمان‌گرا در این دوره بر علیه سوریه حتی سران دو حزب کمالیستی^۱ حاضر در پارلمان ترکیه را حیرت زده کرد. به طوری که «دولت باغچه‌لی» رهبر حزب ملی‌گرای ترکیه گفت اردوغان تا دیروز بشار اسد را دوست و برادر خود می‌خواند، اما اکنون از پشت به وی خنجر می‌زند و به عنوان شریک غرب عمل می‌کند. در همین راستا «کمال قلیچ دار اوغلو» رهبر دیگر حزب کمالیست پارلمان یعنی حزب جمهوری‌خواه خلق نیز درباره اقدامات حزب عدالت و توسعه در مورد سوریه اظهار شگفتی کرد (صولت، ۱۳۹۳). در جواب به این مخالفت‌ها داود اوغلو وزیر خارجه وقت ترکیه در ۲۹ آوریل ۲۰۱۰ در سخنانی در پارلمان این کشور عنوان کرد که ترکیه از ملت‌ها حمایت می‌کند. اوغلو گفت: برخی از افراد از سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه انتقاد می‌کنند، منطق آنها حمایت از نظام‌های دیکتاتور و حزب بعث سوریه است و با این منطق نمی‌توانند سیاست خارجی ترکیه را درک کنند. وی در ادامه افزود: خاورمیانه جدید در حال شکل‌گیری است و ترکیه رهبری این خاورمیانه جدید و موج تغییرات آن را در دست می‌گیرد (www.jamnews.ir, 1391/2/10).

اردوغان نیز در پاسخ به این انتقادات در یک سخنرانی در سال ۲۰۱۲ در «اسکی شهر» ترکیه با اعتراف به توجه بیش از حد ترکیه به مسایل سوریه گفت بسیاری از ما انتقاد می‌کنند که علت تغییر سیاست و توجه بیش از حد شما به سوریه چیست؟ او اینگونه سخن می‌گوید: «پاسخ ساده است. ما کشوری هستیم که استمرار دولت

۱. دکترینی است که متکی بر ۶ اصل ناسیونالیسم، سکولاریسم، جمهوری خواهی، مردم‌گرایی، دولت‌گرایی و اصلاح‌طلبی می‌باشد که مبدع آن آتاترک بنیان‌گذار ترکیه نوین بود (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

فخیمه عثمانی به شمار می‌رود. ما فرزندان سلاجقه و عثمانی هستیم. ما امتداد تاریخ اجدادمان هستیم که برای سعادت، صلح و برادری مبارزه کردند. اگر ترکیه در زمان مناسب اقدامات مقتضی را انجام می‌داد امروز شاهد این جنایات نبودیم. دیگر دوران ترکیه ساکت و بی‌تفاوت گذشته است و دیگر به ملت‌های همسایه خود پشت نخواهیم کرد» (غزوینی غرابی، ۱۳۹۰).

در ادامه تنش در روابط بین دو کشور در پی گلوله‌باران شهر مرزی «آق قلعه» ترکیه توسط سوریه که طی آن ۵ نفر از شهروندان ترکیه کشته شدند، اردوغان طی بیانیه‌ای به روشنی حکومت بشار اسد را مقصر این آتش‌باری دانست و عنوان کرد که نیروهای مسلح ما در مرز به طور جدی به این حمله پاسخ خواهند داد (Watson, 2012). داود اوغلو نیز پس از این حادثه سوریه را تهدید به تلافی کرد و نسبت به هر گونه تجاوز مرزی به ترکیه از سوی سوریه هشدار داد و گفت از این پس پاسخ ترکیه به این حملات شدیدتر خواهد بود (www.irdiplomacy.ir, 1391/7/22). در پی این اظهارات و موضع‌گیری‌های تند بود که نیروهای ترکیه چند سرباز سوریه را در حمله‌ای به یک پاسگاه نظامی در نزدیکی شهر مرزی «تل ایباد» کشتند و دولت ترکیه اعلام کرد این اقدام در پی حمله خمپاره‌ای دولت سوریه انجام شد. در ادامه نیز مجلس ترکیه لایحه اجازه به ارتش این کشور برای عملیات نظامی در خارج از مرزها را تصویب کرد. به عبارتی، قانون مذکور، عملیات نظامی را در سوریه، چنانچه دولت ترکیه لازم می‌دانست مجاز می‌شمرد (www.pressTV.ir, 1391/7/13). پس از تصویب این قانون بود که ترکیه علناً اقدام به سازمان‌دهی نیروهای نظامی مخالف اسد مثل جبهه النصره کرد و علاوه بر اینکه نقش یک کریدور یا دالان و یا یک لنگرگاه واسط برای انتقال گروه‌های مسلح تکفیری و تندرو از نقاط مختلف دنیا مثل آمریکا، اروپا، شمال آفریقا، خاورمیانه و اوراسیا^۱ به سوریه را ایفا کرد، ترکیه در بعضی از مواقع با درگیر شدن مستقیم با ارتش سوریه، ورود مخالفان اسد را به خاک این کشور تسهیل می‌کرد. به طور نمونه، می‌توان به گلوله‌باران مواضع ارتش سوریه در شهر «کسب»^۲ برای تسهیل ورود گروه‌های مسلح مخالف با دولت سوریه از مناطق مرزی ترکیه به حومه «لاذقیه» در سوریه اشاره کرد (www.jamejamonline.ir, 1393/1/6).

همچنین در این زمان ترکیه با کمک تسلیحاتی به مخالفان مسلح دولت بشار اسد

۱. مجموعه امنیتی، اقتصادی، جغرافیایی شامل بالکان، روسیه، ترکیه و آسیای مرکزی و قفقاز.

۲. نام شهری است که در یکی از شمالی‌ترین نقاط کشور سوریه و در فاصله نزدیک به کشور ترکیه قرار دارد. این شهر اکثریتی ارمنی دارد و در حومه لاذقیه واقع است.

سعی در تقویت هر چه بیشتر آنها کرد که برای اثبات این موضوع یک مقاله در یک روزنامه لبنانی اشاره کرد که ترکیه با مجهز کردن مخالفان سوریه به موشک‌های ضدهوایی «سینگ» قصد دارد تا عملاً از پرواز هواپیماهای جنگی سوریه جلوگیری به عمل آورد. روزنامه مذکور تأکید کرد که این موشک‌ها به صورت غیرعلنی بوسیله افسران ترکیه پرتاب می‌شوند (www.irdiplomacy.ir, 1391/5/29).

ترکیه در این دوره برای حمایت بیشتر از مخالفان دولت سوریه تلاش زیادی برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع به منظور دستیابی به منطقه جغرافیایی مستقل در ناحیه شمالی نزدیک به شهر حلب سوریه و ترکیه از خود نشان داد تا بتواند از آن به عنوان پایگاهی امن برای سازمان‌دهی مخالفان اسد عمل کند (آزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۴). با انتشار گزارش‌هایی مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه رهبران حزب عدالت و توسعه مانند داود اوغلو فرصت را غنیمت شمرده و بلافاصله دولت سوریه را متهم به کاربرد سلاح شیمیایی بر علیه مخالفان کردند. حتی داود اوغلو در این زمان غرب را به دخالت نظامی در سوریه دعوت کرد و پس از برقراری تماس‌های مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اعلام داشت که کشورش آماده است تا با هر ائتلافی علیه سوریه حتی بدون موافقت شورای امنیت بپیوندد (ملکی، ۱۳۹۲). زمانی که «اوباما» رییس‌جمهور آمریکا به منظور جلوگیری از بروز جنگی دیگر در خاورمیانه از توافق با روسیه بر سر سلاح‌های شیمیایی سوریه استقبال کرد استانبول از این ابتکار به شدت انتقاد کرد (موسویان، ۱۳۹۲). بعدها بسیاری از تحلیل‌گران عنوان کردند ترکیه خود در استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه نقش داشته است به عنوان مثال «سیمور هرش»^۱ روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی در مقاله‌ای در مجله «London Review» اعلام کرد در زمانی که ارتش سوریه موفقیت‌های بسیاری در رویارویی با گروه‌های عارض به دست آورده بود، سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه به این فکر افتادند که با متهم کردن ارتش سوریه به استفاده از تسلیحات شیمیایی موجبات حمله نظامی آمریکا به سوریه را فراهم کنند. وی همچنین از نقش ترکیه در وقوع حمله شیمیایی در منطقه الغوطه شرقی و انتقال گاز سارین از ترکیه به سوریه توسط گروه‌های مسلح مخالف دولت بشار اسد پرده برداشت (www.jamejamonline.ir, 1393/1/6).

رهبران ترکیه پس از ناامیدی از حمله آمریکا به سوریه در سال ۲۰۱۳ خود در

مقطعی به فکر حمله به سوریه افتادند. در ماه سوم ۲۰۱۴ فایل صوتی نتیجه شنود میان «هاکان فیدان»^۱ رییس سازمان اطلاعات ترکیه (میت)، احمد داود اوغلو وزیر خارجه سابق و نخست وزیر فعلی ترکیه منتشر شد که در آن «هاکان فیدان» به داود اوغلو می‌گوید: اگر تصمیم به داشتن بهانه‌ای برای ورود به خاک سوریه دارید من می‌توانم بهانه لازم را آماده کنم. چهار نفر به سوریه می‌فرستم و آنان ۸ موشک به خاک ترکیه شلیک می‌کند مثلاً آدم‌هایی که آرامگاه «سلیمان شاه» (پدر بزرگ عثمانی غازی مؤسس دولت عثمانی) در خاک سوریه را مورد حمله قرار می‌دهند، پرچم ترکیه را پایین آورده و یک پرچم ساختگی در آنجا نصب می‌کنند از این قبیل کارها می‌توان انجام داد ولی مهم این است که تصمیم گرفته شود (www.entekab.ir, 1393/1/8). اما بعدها به نظر می‌رسد که رهبران حزب عدالت و توسعه از حمله به سوریه صرف‌نظر کردند چرا که به این نتیجه‌گیری رسیده بودند که ترکیه به تنهایی نمی‌تواند بار هزینه حمله به سوریه را به دوش بکشد.

در زمینه روابط اقتصادی نیز در این دوره می‌توان گفت بحران سوریه و دخالت ترکیه در آن به ماه غسل روابط دو کشور در این زمینه پایان داد. روابط اقتصادی دو کشور بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ به میزان ۸۰ درصد کاهش یافت و ترکیه در آخر فهرست کشورهای صادرکننده به سوریه جای گرفت و در سال ۲۰۱۳ و ۶ ماهه اول ۲۰۱۴ میزان تجارت بین دو کشور به طور رسمی به صفر رسید. این در حالی است که در سال ۲۰۱۰ ترکیه در زمینه تجارت خارجی با سوریه رتبه اول را به خود اختصاص داده بود (روزنامه العرب، ۲۰۱۴). در زمینه دیدار اتباع دو کشور از کشورهای یکدیگر نیز باید گفت که میزان آن از زمان آغاز بحران سوریه به شدت کاهش یافت و حتی می‌شود گفت که به طور رسمی به صفر رسیده است. به عبارتی، در این دوره دیدار اتباع ترکیه از سوریه به عنوان توریست هرگز ثبت نشده است اما ده‌ها هزار نفر از مردم سوریه در این دوره وارد ترکیه شدند هر چند نه به عنوان توریست بلکه به عنوان آوارگان جنگی. به طوری که نزدیک ۱۰۰ هزار نفر از آنها در کمپ‌های ویژه آوارگان زندگی می‌کنند و تعداد زیادی نیز در خارج از کمپ‌ها به سر می‌برند (Watson, 2012).

به نظر می‌رسد با دستیابی اردوغان به ریاست جمهوری و نخست وزیر شدن داود اوغلو، در معادلات منطقه‌ای و سیاست خارجی ترکیه اتفاق جدیدی روی ندهد.

این کشور هنوز خواهان جابه‌جایی قدرت در سوریه است و تا زمانی که بشار اسد در قدرت حاضر باشد بعید است اردوغان روابط مناسبی با سوریه برقرار کند.

از جمله شواهد این مدعا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

○ دعوت «هادی البحرا» رئیس ائتلاف مخالفان سوریه به عنوان نماینده کشور سوریه به مراسم تحلیف ریاست جمهوری اردوغان.

○ انتخاب دیپلمات کارکشته حوزه اروپا یعنی «مولود چاوش اوغلو»^۱ به عنوان وزیر خارجه جدید ترکیه که نشان‌دهنده تمایل ترکیه برای تقویت بیش از پیش روابط این کشور با جهان غرب و عطش بی‌پایان این کشور برای عضویت در اتحادیه اروپا است (دستمالی، ۱۳۹۳).

○ سخنرانی داود اوغلو برای اعضای حزب عدالت و توسعه پس از رسیدن به نخست وزیری مبنی بر اینکه عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا از اهداف استراتژیک دولت او است و آنکارا قاطعانه این موضوع را دنبال می‌کند (صولت، ۱۳۹۳).

○ عدم تمایل ترکیه برای شرکت در ائتلاف ضد داعش.

در این راستا روزنامه «المانیور» در مقاله‌ای به قلم «فهمیم تاستکین»^۲ عنوان می‌کند که رجب طیب اردوغان در دیدار با اوباما تمایل چندانی برای شرکت ترکیه در ائتلاف ضد داعش نشان نداده است. وی در این مقاله به نقل از روزنامه جمهوری‌ت عنوان کرد که ترکیه برای این کار چند شرط دارد که یکی از آنها این است که این عملیات نباید به تقویت دولت بشار اسد منجر گردد. چرا که ترکیه نگران است پس از پاکسازی داعش ارتش سوریه به قدرت دست پیدا کند و دولت اردوغان فعلاً تمایلی برای همراهی با سوریه‌ای که بشار اسد رهبر آن است، ندارد (www.yjc.ir, 1393/6/19).

البته پس از تعهد آمریکا به انجام این شرط نیز، ترکیه از همراهی رسمی به ائتلاف بین‌المللی ضد داعش خودداری کرد و به صراحت اعلام کرد در هیچ عملیات نظامی علیه مواضع داعش مشارکت نخواهد داشت و ترجیح می‌دهد که در این ائتلاف بخش کمک‌های انسان‌دوستانه را برعهده گیرد یا در بهترین حالت کمک‌های پنهانی داشته باشد (بارکی، ۱۳۹۳).

۱. وی از از حامیان اصلی مخالفان دولت بشار اسد است.

نتیجه‌گیری

روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه ترکیه و به تبع آن حاکم شدن گفتمان نوعثمانی‌گری بر سیاست خارجی این کشور نقطه عطفی در تحولات سیاست خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ترکیه محسوب می‌شود. یکی از کشورهایی که روابط ترکیه با آن در پرتو مبانی فکری حزب جدید حاکم بر ترکیه دستخوش تغییرات جدی گردید، سوریه است. گرچه در ابتدای روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه روابط این کشور به سرعت تا مرحله همگرایی پیش رفت اما با همان شتاب دستخوش عقب‌گرد شد و به سمت تعارض، تنش تقابل همه‌جانبه سوق یافت. در پژوهش حاضر ریشه فراز و فرود سیاست خارجی ترکیه و چرخش رادیکال آن از همکاری به تعارض در روابط این کشور با سوریه در گستره وسیعی از مبانی متعارض فرهنگی، هنجارین و لایه‌های هویتی پارادوکسیکالی جستجو شد که بر ساختار فکری و شاکله حسی رفتاری نخبگان حزب عدالت و توسعه حاکم است. استدلال پژوهش این است که رهبران حزب عدالت و توسعه نخست با توجه به هویت تاریخی که برای ترکیه قائل بودند به دنبال احیای نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در کشورهایی بودند که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی محسوب می‌شدند. سوریه در چارچوب این مفصل‌بندی دروازه ورود ترکیه به کشورهای عربی خاورمیانه قلمداد می‌شد. دولتمردان ترک اجرای یکی از مؤلفه‌های اساسی دکترین نوعثمان‌گرایی یعنی به صفر رساندن مشکلات با همسایگان به منظور تأمین منافع ملی ترکیه را از سوریه آغاز کردند. در این زمان موافقت‌نامه‌های زیادی در زمینه تجارت، همکاری‌های اقتصادی، برداشتن مالیات مضاعف، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه و تجارت آزاد بین دو کشور به امضا رسید. ترکیه در اثر اجرای این موافقت‌نامه‌ها به شریک اول تجاری سوریه تبدیل شد و میزان تعاملات اتباع دو دولت با یکدیگر به صورت قابل توجهی افزایش یافت. در زمینه سیاسی نیز دید و بازدیدهای مقام‌های دو دولت از کشورهای یکدیگر به میزان فزاینده‌ای افزایش پیدا کرد. اما پس از شروع ناآرامی‌ها در سوریه از میانه سال ۲۰۱۱ نخست رهبران ترکیه تلاش کردند بین مخالفان و دولت سوریه به میانجیگری بپردازند. تا این مقطع ترکیه هنوز منافع خود را در تعامل با دولت بشار اسد جستجو می‌کرد، اما با گسترش اعتراضات در سوریه و قرار گرفتن کشورهای غربی و عربی در کنار مخالفان و در واقع تغییر شرایط حاکم بر منطقه و همسان فرض کردن تحولات سوریه در ادامه تحولات بهار عربی که به صورت دومینو باعث سقوط دولت‌های

استبدادی حاکم بر تونس، مصر و لیبی شد، دولتمردان ترکیه احساس کردند که دیگر مؤلفه به صفر رساندن مشکلات با سوریه منافع ملی ترکیه را تأمین نمی‌کند. در عوض باید تعهداتشان را نسبت به دولت سوریه به صفر برسانند و برای تأمین منافع ترکیه باید به سراغ اجرای مؤلفه دیگر گفتمان نعثمانی گرا یا دکترین عمق استراتژیک یعنی نشان دادن تصویری مثبت از ترکیه به عنوان الگویی از دموکراسی باثبات و طرفدار آزادی و حقوق بشر در نزد افکار عمومی و نخبگان سیاسی کشورهای عربی - اسلامی بپردازند.

در مرحله جدید توقع نخبگان ترک این است که اجرای راهبرد اخیر باعث افزایش قدرت نرم ترکیه و مقبولیت آن بین جوانان و طبقه متوسط کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا شده و در نتیجه موجبات احیای نفوذ این کشور در منطقه و در درازمدت رهبری ترکیه بر کشورهای منطقه و افزایش اهمیت استراتژیک آن در مسایل بین‌المللی و نیز تسهیل ورود این کشور به اتحادیه اروپا را به بار آورد. به همین دلیل ترکیه به طور کامل در کنار مخالفان دولت بشار اسد قرار گرفت و با حمایت‌های سیاسی، نظامی و تبلیغاتی از آنها تاکنون فشار بیشتری را بر دولت سوریه به منظور به دست آوردن رضایت جبهه غربی - عربی وارد ساخته است. آنان، از یک سو، تلاش‌های زیادی را برای تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی برای حمله به سوریه انجام دادند و از سوی دیگر، خود نیز در مقطعی به طور پنهانی در فکر انجام این کار بودند. در فاز اخیر مبادلات اقتصادی و تجاری ترکیه با سوریه به طور رسمی به صفر رسیده است و اتباع دو دولت که زمانی اولین مقصد توریستی آنها کشورهای یکدیگر بود دیگر به عنوان توریست از کشورهای همدیگر دیدار نمی‌کنند. اکنون روابط دو کشور از جهات مختلف (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...) به طور کامل قطع شده است. بهر حال، رقم خوردن شرایط منطقه و تغییر و تحولات آن در سال‌های پیش رو حقایق بیشتری از الگوی رفتاری ترکیه با همسایگان و دول فرامنطقه‌ای را روشن می‌سازد. اینکه آیا انعطاف‌پذیری رهبران نعثمان‌گرای ترکیه در اجرای مؤلفه‌های متعارض گفتمان نعثمان‌گرایی در سیاست خارجی منطقه‌ای این کشور کماکان اجازه چنین چرخش‌های رادیکالی را به جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه خواهد داد یا خیر، پرسشی است که جواب آن چندان مشخص نیست. آنچه آشکار است این واقعیت است که دولتمردان ترک لایه‌های متنوعی از هویت و منافع را برای خود تعریف کرده‌اند که به تناسب تحولات منطقه‌ای قدرت مانور و چرخش دیپلماتیک را برای آنها ولو در کوتاه

مدت فراهم می‌کند. در خصوص سوریه نیز این پرسش باقی است که آیا ترکیه به خاطر مشکلات اقتصادی و سیاسی به وجود آمده با همسایگان مثل سوریه، ایران، عراق و روسیه به علت حمایت از مخالفان بشار اسد نگاه استراتژیک خود را تغییر خواهد داد و رئیس‌جمهور اردوغان همانند سلف پراگماتیست و نوع‌نمان‌گرای خود «تورگوت اوزال» که برخلاف جریان افکار عمومی و نظر تحلیل‌گران سیاسی زمانی با «پاپاندرئو»^۱ نخست‌وزیر وقت یونان (دشمن دیرینه ترکیه) دیدار کرد و پس از چندین دهه اولین نخست‌وزیر ترکیه بود که به آتن مسافرت کرد اردوغان نیز در اثر تغییر شرایط سمت و سوی تحولات منطقه‌ای برخلاف انتظار افکار عمومی و تحلیل‌گران سیاسی پس از یک دشمنی سخت، با بشار اسد دیدار خواهد کرد و سپس به دمشق می‌رود تا روابط سیاسی، اقتصادی دو کشور را احیا کند و یا اینکه با ادامه حمایت از گروه‌های معارض و تروریستی مخالف بشار اسد به برقراری رابطه با همسایگان باز نمی‌گردد و مجدداً با آنان دچار مشکل شده و مبتلا به سندرومی خواهد شد که گذشتگان آن را تجربه کرده‌اند؟ آنچه که ترسیم روند آینده را دور از ذهن نمی‌نماید این است که در فضای فراوری تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، ادراک رهبران حزب عدالت و توسعه از هویت ترکیه بسیار سیال و در عین حال متعارض است. باور دولتمردان ترک به عدم جزمیت در اجرای مؤلفه‌های گفتمان نوع‌نمان‌گرایی به منظور تأمین هر چه بیشتر منافع ملی ترکیه اگر چه استعداد خاصی به انعطاف‌پذیری سیاست خارجی این کشور می‌بخشد اما به همان اندازه تناقضات و تعارضات آن را آشکار ساخته و این کشور را در سال‌های پیش رو ملزم به فاصله‌گیری از سیاست یک بام و دو هوا در مواجهه با تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خواهد کرد.

منابع

الف) منابع فارسی

آزاده، سجاد. (۱۳۹۲). بازی بزرگ در سوریه: دومینوی بهار عربی یا قربانی بازگشت موزانه قدرت به نظام منطقه‌ای؟، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره اول، بهار.

اشرفی، حسن. (۱۳۹۱). اردوغان - گولن جنگ قدرت پنهان، www.strategicreview.org.

امیدی، علی. (۱۳۹۱). ابرهای تیره بر آینده روابط ایران و ترکیه، هنر دیپلماسی حفظ رابطه است نه گسستن آن، www.irdiplomacy.ir/13913522.

امیدی، علی و رضایی، فاطمه. (۱۳۹۰). عثمان‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه، شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، پاییز. بارکی، هنری جی. (۱۳۹۳). ترکیه چگونه از داعش حمایت می‌کند، ترجمه: حسین موسوی، www.irdiplomacy.ir.

بقازازیان، آرمان و آرشاکیان، گریگور. (۲۰۰۹). تغییرات جدید در سیاست خارجی ترکیه، مؤسسه خدمات ترجمه و تحقیق هور، <http://www.hoosk.net/farsi/in-dex.php>.

بهرامی، محمد. (۱۳۹۰). سیاست خارجی ترکیه و تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه، <http://kurdpress.com>.

بیات، ناصر. (۱۳۹۰). نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه، فصلنامه ره‌نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم، تابستان.

پنج راهکار ترکیه برای فشار بر سوریه، www.tamolnews.ir/2147/1390/5/18. جعفری، علی. (۱۳۹۳). ارزیابی مواضع ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا، <http://www.tisri.org>.

جوادی، محمدجعفر و سلیمانی، غلامعلی. (۱۳۸۸). سازه‌نگاری به مثابه فهم نوین در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ارائه شده در نخستین همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۴-۱۵ مهر.

چگینی‌زاده، غلامعلی و خوش‌اندام، بهزاد. (۱۳۸۹). تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵، تابستان. حیدری، محمدعلی و رهنورد، حمید. (۱۳۹۰). نوع‌ثمان‌گرایی و سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه (با تأکید بر تحولات بهار عربی)، فصلنامه ره‌نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره

دوم، تابستان.

خط و نشان گل برای سوریه، www.tamolnews.ir/3241/1390/6/18.

دستمالی، محمدعلی. (۱۳۹۳). دوران اردوغان - داود اوغلو و تغییرات پیش روی ترکیه، www.nividar.com/49308.

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. (۱۳۸۶). کتاب سبز ترکیه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه.

رضائیان‌ریزی، مهدی. (۱۳۹۱). تحولات داخلی و خارجی سوریه، <http://rezaey-28.blogfa.com>.

سعیدی، زامل. (۱۳۷۶). تصویر اعراب در ذهنیت ترکان، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲ و ۳، پاییز.

شفیعی، نوذر و زمانیان، روح‌اله. (۱۳۹۰). مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه‌ها (واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌نگاری)، اطلاعات سیاسی اقتصادی (فصلنامه پژوهشی)، شماره ۲۵۸، پاییز.

صولت، رضا. (۱۳۹۰). انقلاب‌های عربی و چالش‌های معمار سیاست خارجی ترکیه، <http://www.merc.ir>.

صولت، رضا. (۱۳۹۳). اردوغانیسم و داود اوغلوایسم در ترکیه، www.kabaronline.ir/49308.

غزوینی غرابی، سیدرضا. (۱۳۹۱). سوریه بخشی از امپراتوری عثمانی است، <http://harfedelom.blogfa.com/post-2514.aspa>.

ننادی، علی. (۱۳۸۹). انقلاب اسلام‌گرایان در سیاست خارجی ترکیه، www.strategicreview.org.

لارابی، اف. استغان. (۱۳۸۶). نگاه دوباره ترکیه به خاورمیانه، ترجمه: محمد سلطانی‌نژاد، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار.

مسعودنیا، حسین، فروغی، عاطفه و چلقمانی، مرضیه. (۱۳۹۱). ترکیه و بحران و سوریه از میانجی‌گری تا حمایت از مخالفان دولت، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۴، زمستان.

ملکی، صادق. (۱۳۹۱). متحد غرب در آغوش شرق، www.irdiplomacy.ir.

ملکی، صادق. (۱۳۹۲). واکاوی دلایل اصرار داود اوغلو برای حمله به سوریه، www.kordha.ir/?p=3206.

موسویان، سیدحسین. (۱۳۹۲). ترکیه و ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌های منطقه‌ای، در گفت‌وگو با روزنامه شرق الاوسط، www.entekhab.ir/130512.

نصری، قدیر. (۱۳۸۴). *آینده سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز.
هادیان، ناصر. (۱۳۸۲). *سازمانگاری از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی*، سال هفدهم، ش ۴، زمستان.

(ب) روزنامه‌ها

روزنامه اعتماد. (۱۳۸۷). *بشار اسد پیام جدیدی به ترکیه برد*، شماره ۱۷۴۰، ۱۶ مرداد.
روزنامه العرب. (۱۳۹۳). *تهدیدهای مجدد ترکیه علیه سوریه*، چاپ لندن، ترجمه: محمدجواد گودینی، www.jamejamonline.ir.
روزنامه شرق. (۲۳/۳/۱۳۹۰). *نظرات گولن در مورد اسرائیل فاجعه است*.

(ج) منابع انگلیسی

- Aras, Bulent & Polat, Rabia Karakaya. (2008). **From Conflict to Cooperation: De Securitized Turkey's Relation with Syria and Iran**, at <http://sdi.sagepub.com/content/39/5/495.short>.
- DA Vut Oglu, Ahmet. (2010). *Turkish Foreign Policy and the EU in 2010, Turkish Policy Quarterly/ Volume*.
- DAGI, I. D. (2005). *Transformation of Islamic Political Identity in Turkey: Rethinking the West and Westernization, Turkish Studies*, Vol. 6, No. 1.
- Der Derian, James. (1995). **International Theory, Critical Investigation**, New York: Macmillan Company.
- Dufner, Urlke & Berthold, Marc. (2010). **Foreign Policy of Turkey in the Middle East: Values, Interest, Goals**, Hein Rich Boll Stift UNG, as of February 3.
- Irish, John. (2012). **France Partners Planning Syria Crisis Group: Sarkozy**, Reuters, February 4.
- Kadioglu, Ayse & Brubaker, Rebecca. (2011). **Turkey Foreign Policy in a Changing World Old Alignment and New Neighborhoods**, International Conference, St. Antonys College, University of Oxford, 30 April-2 May, 2010. Publisher: European Studies Center, St. Antonys College, University of Oxford, Length: 60 pages.

- KuRu, AHmet. (2005). *Globalization and Diversification of Islamic movements: Three Turkish Cases*, **Political Science Quarterly**, October.
- Meral, Zia & Paris, Jonathan. (2010). *Decoding Turkish Foreign Policy Hyper activity*, **The Washington Quarterly**, October.
- Relation between Turkey-Syria**. <http://www.aljazeera.com/24Jun 2012>.
- Rittbergger, Volker. (2002). **Approaches to the Foreign Policy Derived from International Relations Theories**, Paper Prepared Annual Meeting of the International Studies Association, New Orleans, March.
- Sandrin, Paula. (2009). **Turkish Foreign Policy after the End of Cold War from Securitized to Desecuritized Actor**, University of West Minister, September 30.
- Schenker, D. (2011). **Syria and Turkey. Walking Arm in Arm down the Same Road?**, Available at: <http://www.brandeis.edu>.
- Taspinar, Omer. (2012). **Turkey; the New Model? From the book: the Islamists are coming: who They Really Are**, Co-published by the Wilson Center and the U.S. Institute of peace, April.
- Turkey-Syria Economic and Trade Relation**. <http://www.mfa.gov.tr>.
- Ulgen, Sinan. (2010). **Place in the Sun or Fifteen Minutes of Fame? Understanding Turkey's New Foreign Policy**, Available at: www.CarnegieEndowment.org/pubs.
- Wendt, Alexander. (1998). **Social Theory of International Politics**; Cambridge: Cambridge University Press.
- (د) سایت‌ها
<http://jamnews.ir/Nsite/Fullstory/new/?Id=78411&Serv=26,1391/2/10>.
<http://www.parsine.com/59939,1391/1/13>
www.asrIran.com/226515,1391/5/17
www.dw.de,1393/4/16
www.entekab.ir/fa/news/153839,13931/8
www.fararu.com/147874,1392/2/8
www.irdiplomacy.ir/1905697,1391/5/29
www.irdipolmacy.ir/1907947,1391/7/22

